

خیابان گلستان

دکتر ریحانه خاتون

تا زمانی که گلستان سعدی (تألیف ۱۶۵۶ق) نوشته نشده بود، کلیله و دمنه بهرام شاهی معروف‌ترین کتاب در ردیف کتاب‌های نثر فارسی به‌شمار می‌رفت، اما می‌توان گفت تنها کتابی که پس از کلیله و دمنه نگاشته شد و به شهرت و محبوبیت رسید و قبول عامه یافت، گلستان سعدی است و امروز اگر از افرادی که فارسی خوانده‌اند، پرسیده شود معروف‌ترین کتاب نثر فارسی کدام کتاب است، بی‌هیچ تردید از گلستان نام خواهند برد.

گلستان سعدی نمونه نثر مرسل است، یعنی نویسنده در آن نه تنها به نقل معنی و مطلب خویش در ساده‌ترین و کوتاه‌ترین عبارت نظر می‌کند، بلکه در عین سادگی و آسانی از رعایت صنعت و زیبایی نیز دور نمانده و آرایش کلام را به آن حد می‌رساند که ویژگی‌های نثر وی بیشتر بر دل‌ها می‌نشیند. به قول مرحوم فروغی:

«پس از گلستان، نثر فارسی در قالب شایسته حقیقی ریخته شد و بعدها هر شعری هم که مانند شعر سعدی در نهایت سلامت و روان باشد، در ترکیب شبیه به نثر خواهد بود، یعنی از برکت وجود سعدی زبان شعر و زبان نثر فارسی از دوگانگی بیرون آمده و یک زبان شده.»



گلستان سعدی نه تنها در شبه قاره بسیار شهرت دارد، بلکه در کل جهان هم از مقبولیت بالایی برخوردار است. محققان برای آشنایی بیشتر مردم با مفاهیم گلستان، شرح‌ها و فرهنگ‌های لغت، به زبان‌های مختلف عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، فرانسوی و فارسی بر این کتاب نوشته‌اند که در ذیل به چند شرح فارسی اشاره می‌شود:

۱. شرح گلستان یا مفتاح گلستان: این شرح در زبان فارسی نوشته شده، مؤلفش اویس بن علاءالدین، شاگرد خواجه ابوالفیض ابوالفضل امیرالدین شاه نعمت الله محمد بن محمد حسینی است. او این شرح را به نام سلطان دکن احمد شاه بن بهمنی (۸۸۷-۹۲۴ق) در سال ۹۰۰ ق در دو جلد نوشته است.

۲. شرح گلستان منیری: این شرح را شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری (م ۷۸۲ق)، مؤلف معدن‌المعانی، در نگارش آورده است.

۳. شرح گلستان که علی زاده سید یعقوب بن علی (م ۹۳۱ق)، به رشته تحریر درآورده است.

۴. شرح گلستان میرمحمد نورالله احراری (م ۱۰۷۳ق)، شارح مثنوی مولوی، او شرح گلستان را در عهد اورنگ زیب ساخته است.

۵. شرح گلستان از محمد عبدالرسول بن شهاب الملة والدین بن شیخ عبدالله بن شیخ طاهر بن شیخ حسن قریشی هاشمی که این شرح را بعد از شرح بوستان در سال ۱۰۷۳ق نوشته و در آن از مهذب الاسماء محمود بن عمر زنجی (لغت که عربی به فارسی است) و زفان گویا از بدر ابراهیم (تألیف ۸۲۲ق) و صراح‌اللغت و کشف اللغات عبدالرحیم (قرن دهم) و شرفنامه منیری ابراهیم قوام فاروقی (تألیف ۸۷۷ق) و فرهنگ مؤید الفضلای محمد لاد دهلوی و زبده‌الفوائد شیرخان و فرهنگ جهانگیری انجوی شیرازی بهره‌ وافر برده است.

۶. کلید گلستان یا شکرستان در شرح گلستان: این شرح در سال ۱۰۹۵ق یا ۱۰۹۷ق نوشته شده و مؤلفش محمد بن سعید است.

۷. شرح گلستان: این کتاب را بهیچیک رام در سال ۱۲۱۵ق، در اوده نوشت.

۸. بهار بهاران در شرح گلستان از محمد غیاث‌الدین بن محمد جلال‌الدین مصطفی آبادی رامپوری مؤلف فرهنگ غیاث‌الغات این شرح را در سال ۱۲۴۲ق تألیف کرد.



۹. شرح گلستان از جنید بن عبدالله مولوی؛
۱۰. شرح گلستان شیخ ولی محمود اکبرآبادی؛
۱۱. شرح گلستان از تاج‌الدین بهجت؛
۱۲. شرح گلستان محمد کریم بن عبدالرزاق ملتانی؛
۱۳. خیابان گلستان: سراج‌الدین علی‌خان آرزو شاه‌جهان آبادی (م ۱۱۶۹ق) یکی از مهم‌ترین شارحان در زمان خود این شرح را به نگارش آورده که دارای اهمیت بسیاری است. او که از نقادان، شاعران، تذکره‌نویسان، شارحان، فرهنگ‌نویسان و زبان‌شناسان بزرگ قرن دوازدهم هجری است، تمام صلاحیت و مهارت لازم خود را در نگارش این شرح مهم به‌کار برده است و از برخی فرهنگ‌های معتبر مانند مدارالافاضل الله داد فیضی سرهندی و صراح و فرهنگ رشیدی عبدالرشید تتوی نوشته ۱۰۶۴ق نیز استفاده نموده است. آرزو این شرح را در سال ۱۱۱۹ق نگاشته است، چنان‌که در مقدمه کتاب می‌نویسد:
- کز «خیابان گلستان» چنین «گل نو» آرزو از بی تاریخ تا طبع تو گردد تر دماغ
از خیابان گلستان عدد ۱۲۲۵ و از گل نو ۱۰۶ برمی‌آید و اگر از ۱۲۲۵ عدد ۱۰۶ را کم کنید، عدد ۱۱۱۹ به‌دست می‌آید و این سال تاریخ تألیف کتاب است. سپس بعد از سی سال یعنی در سال ۱۱۴۹ق تجدید نظری بر آن کتاب کرد. متأسفانه نسخه اول تا حال دریافت نشده است و همان نسخه دوم به‌دست ما رسیده است. این شرح اول تقریباً صد و پنجاه سال پیش در هند به چاپ رسیده و دوباره به کوشش دکتر مهنور محمدخان از مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، در سال ۱۳۷۵ش انتشار یافت. آرزو شرح بر گلستان نورالله احراری و ملا سعد تتوی را نیز مورد انتقاد قرار داده است.
- اگرچه او به شاعران بزرگ ایران مانند مولانای رومی، عنصری بلخی و فردوسی طوسی ارادت خاصی داشت، اما ارادت و محبت وی نسبت به سعدی بیشتر بود. او در این کتاب سعدی را در بیشتر موارد به‌عنوان «شیخ قدس سره» نامبرده است و در مقدمه کتاب درباره برخی از شرح‌هایی که پیش از او بر گلستان نوشته شده بود، نکاتی مهم توضیح داده است، او می‌گوید:



«اگرچه فضلالی کامکار و علمای عالی مقدار مثل نورالله احراری و ملا سعد تتوی و غیر هما شروحنی بر این کتاب داشته‌اند، لکن چون در بعضی جاها تسامحنی و تساهلی به وقوع آمده ... متصدی تحقیق آن گشتم و بیابان تحریر را در نوشتم».

خان آرزو در شرح خود فقط لغات و ابیات مشکل گلستان را شرح داده و تفسیر نموده است و بسیاری از لغات و ترکیب‌ها را که در نظر او مشکل نبوده، توضیح نداده است. همین‌طور برخی از حکایات اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است، به‌طور مثال حکایت: «یاد دارم که شبی ... الخ» شرح لغات ندارد.

بعضی لغات را تنها معنی کرده و توضیح نداده است. مثلاً:

«یکی از ملوک را عمر سپری شده ... الخ» نوشته است سپری شده یعنی آخر شده، همین‌طور «انّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» یعنی به درستی که با تنگدستی فراخی است.

او بعضی لغات و مطالب را با تفصیل مورد بحث قرار داده است. بعضی جاها در زمینه صنایع لفظی و ادبی نیز بحث نموده است، مانند:

«باران رحمت بی حسابش» این اضافه، اضافه مشبّه به است به مشبه از عالم طبل شکم و نای گلو و می‌تواند ترکیب توصیفی باشد.

همین‌طور «اکنون مادر و پدر ... الخ» در این عبارت لف و نشر مرتب واقع شده نظر به عبارت ناز فرزند.

آرزو اغلاط شروح قدیم را هم با ذکر شواهد و اسناد نشان داده است. به‌طور مثال:

«حطام، از بعضی شروح به ضم اول و تخفیف، واضح می‌شود به معنی هیمه و گاه حقیقتاً و به معنی مال و متاع مجازاً و در صراح ریزه شکسته هر چیزی و اندک مال دنیاوی. پس حطام دنیاوی بنا بر تحریر تأکید جزو معنی خواهد بود و شارح ناظم گوید که تحریر در فارسی بسیار است. چنان‌که در سنگ خارا، زیرا خارا سنگ سخت است. مؤلف گوید اضافه سنگ خارا اضافه عام است به سوی خاص از عالم کوه الوند و کتاب قاموس از جهت رفع اشتباه مضاف‌الیه آمده. بدان که قلت زر نسبت به وجود بشری است. هر چند مادر و پدر او را پادشاه زر بسیار داده باشد، زیرا که نظر بدان که انسان اشرف المخلوقات است، هر چند دهند قلیل بود.»

آرزو نسخه‌های مختلف گلستان را نیز مورد بررسی و تطبیق قرار داده و نسخه‌هایی که در نظر او صحیح و معتبر بوده است، آن را مشخص نموده و تأیید کرده است. او سعی نموده معنی واقعی لغات و تعبیرات را بیان کند. با درج اعراب تلفظ صحیح کلمه را نیز مشخص ساخته است. در ذیل حاتم می‌گوید:

حاتم: در مدارالافاضل به فتح تا است و در اسکندری به کسر و شارح فاضل گوید به کسر است و به فتح بیجاست، لیکن شعرای متأخرین با خم و نم قافیه کنند.

آرزو در ضمن شرح لغات برای اثبات دلایل و براهین و نظرات خود ایاتی از شاعران بزرگ فارسی مانند فردوسی طوسی، انوری ابیوردی، نظامی گنجوی، عرفی شیرازی و غیره شاهد آورده است، مانند:

«دوستان را پوستین، یعنی پوست دشمنان را بکن و پوستین دوستان را بکن و کندن پوستین، برآوردن آن است از بدن» و از غریب است که اینجا شارح فاضل برای نمایش لفظی، لفظ «پوست» و «پوستین» اختیار کرده و پوستین در اصل لغت مرادف پوست است مثل نخست و نخستین، حضرت مولانا می‌فرماید:

هست خورشید نهان در ذره‌ای شیر نر در پوستین بره‌ای

اما در عرف عام به معنی معروف، معروف شده. مؤلف گوید: پوست به معنی معروف و پوستین آنچه از پوست سازند و یا و نون برای نسبت است، چنانچه نگار و نگارین و سیم و سیمین و نخست و نخستین هم از این عالم است.»

و همچنین آرزو به نظرات فرهنگ‌نویسان فارسی و عربی استفاده کرده و از آنها استناد جسته، ولی گاهی اسم صاحب بیت را هم نبرده است. در این کتاب ترتیب مدخل‌ها کاملاً زیاد رعایت نشده و بعضی مدخل‌ها با همدیگر پس و پیش شده است. همین‌طور در عبارات بعضی جای ابهام و پیچیدگی هم وجود دارد و در متن بعضی از جملات بی‌مورد و بی‌ربط به نظر می‌آید.